



## خیزش مردم ایران برای آزادی در برابر نسل کشی خامنه ای

دی ۲۵۸۴

جهان شاهد یکی از تاریک ترین فصل‌های تاریخ معاصر ایران است. جوانان ایرانی - بسیاری از آن‌ها نوجوان - به خیابان‌ها آمده‌اند و چیزی جز کرامت، آزادی و آینده‌ای شایسته زندگی نمی‌خواهند. در سطحی از خشونت که وجدان بشریت را به شدت تکان می‌دهد.

در شهرها و روستاها در سراسر ایران، مردم دلیر ایران با دستان خالی و قلبی پر از امید به خیابان آمده‌اند. تنها خواسته آن‌ها کرامت، آزادی و آینده‌ای قابل زیستن بوده است. اما در برابر این خواسته انسانی، در پاسخ، با گلوله، باتوم، بازداشت‌های گسترده، با تمام ظرفیت خشونت دولتی روبرو شده‌اند، خشونتی که وجدان بشریت را به شدت تکان می‌دهد. نیروهای مسلح وابسته به ساختارهای امنیتی، با گلوله جنگی به سوی جمعیت بی‌دفاع شلیک کرده‌اند، جوانان را از فاصله نزدیک هدف قرار داده‌اند و خیابان‌ها را به میدان مرگ تبدیل کرده‌اند. بر پایه گزارشات رسانه‌ها شمار کشته شدگان تا بحال به ده‌ها هزار نفر رسیده است.

این خیزش مردمی شورش برای معیشت نیست، شورش برای اصلاح ساختار سیاسی نیست، شورش غیرقانونی نیست، تهدید علیه صلح و امنیت همگانی نیست و اقدام خشونت طلبانه ی کور نیست.

این یک انقلاب سیاسی برای ایجاد مردم سالاری و آینده‌ای روشن و امن با مشارکت واقعی همه است. آنها در همه شهرها با فریاد گفتند چه نمی‌خواهند "جمهوری اسلامی" و چه می‌خواهند "رهبری شاهزاده رضا پهلوی".

آنچه امروز بدست جمهوری اسلامی در ایران می‌گذرد «سرکوب» نیست. «نا آرامی» نیست. «پاسخ امنیتی» نیست.

این جنایت بر علیه بشریت و نابودی عمدی یک نسل است.

پدر و مادری که فرزندانشان را با امید از خانه بدرقه کردند، ساعتی بعد مجبور شدند پیکر بی‌جان عزیزانشان را در خیابانها، گاهی روی هم انباشته بگونه قرون وسطی‌ای، یا در سرد خانه‌های امنیتی، زیر نگاه مأموران، شناسایی کنند و برای تحویل فرزندانشان پول گزافی برای هزینه گلوله بپردازند. برخی مجبور شدند در سکوت، در نیمه‌شب، زیر تهدید و فشار، فرزندانشان را دفن کنند. این خشونت تصادفی نیست، برنامه‌ریزی شده است، هدفمند است و برای ایجاد وحشت در میان ملت آزادیخواه طراحی شده است.

خانواده‌ها را وادار کرده‌اند که امضا کنند که فرزندشان مأمور پاسداران بوده. مادران را تهدید کرده‌اند که اگر سکوت نکنند، فرزندانشان بازداشت می‌شوند. این‌ها موارد پراکنده نیست — بلکه یک الگوی سیستماتیک برای پاک کردن حقیقت، خاموش کردن عزاداری و شکستن روح مردم است.

جوانان ایرانی در کوچه‌ها با ضرب و شتم کشته شده‌اند، از پشت هدف شلیک مستقیم هدف قرار گرفته‌اند، از خیابان ربوده شده‌اند یا در بازداشت زیر شکنجه کشته شده‌اند.

جرمشان چه بوده؟ خواستن حقوقی که برای دیگران بدیهی است.

اما، با همه این خشونت‌های خامنه‌ای و رژیم نسل کش، این صداها ی ملی خاموش نخواهند شد.

جهان نباید اجازه دهد مرگ این جوانان به آمار کاهش یابد یا در میان بحران‌های جهانی فراموش شود. شجاعت آن‌ها سزاوار به رسمیت شناخته شدن است. خانواده‌هایشان سزاوار عدالت اند. و مرتکبان این جنایات باید تحت قوانین بین‌المللی و انسانی پاسخگو باشند.

دنیا این تصاویر را دیده است. دنیا صدای فریادها را شنیده است. دنیا مراسم خاکسپاری را دیده است. هیچکس نمی‌تواند ادعا کند «نمی‌دانست!». آنچه کم است مدرک نیست.

هر روز سکوت جهانی، چراغ سبزی برای خشونت بیشتر است.

هر تردید دیپلماتیک، یک قبر تازه است.

هر بیانیۀ نیم بند، یک خانواده دیگر را در هم می‌شکند.

این جوانان مجرم نبودند. تهدید نبودند.

آن‌ها آیندۀ ایران بودند — و به خاطر رویای یک زندگی بهتر کشته شدند.

خون آن‌ها عدالت می‌طلبد.

خانواده‌هایشان حقیقت می‌خواهند.

و جهان آزاد باید تصمیم بگیرد که آیا در کنار قربانیان می‌ایستد یا در کنار سکوتی که قاتلان را جسورتر می‌کند، آنچه که تا کنون به جمهوری اسلامی پروانه داده است که آدمکشی، جنایت و تروریسم را در منطقه و در دنیا گسترش دهد، پروانه ایکه رژیم در آیندۀ نیز بارها بکار خواهد برد.

هر گلوله‌ای که به سوی این جوانان شلیک می‌شود، لکه ننگی است بر پیشانی جهانیانی که سکوت کرده‌اند. هر قطره خونی که ریخته می‌شود، مسئولیتی است که بر دوش ما و جامعه بین‌المللی سنگینی می‌کند. ما نمی‌توانیم و نباید چشم بر این جنایات ببندیم. این کشتارها، این سرکوب‌ها، این بی‌عدالتی‌ها، نه تنها نقض حقوق بشر است، بلکه خیانتی است به وجدان بشریت.

خانواده‌هایی که عزیزانشان را از دست داده‌اند، در میان اشک و درد، فریاد عدالت سر می‌دهند و ما باید صدای آنها باشیم. جهانیان باید نشان دهند که این جنایت‌ها قابل تحمل نیستند و باید متوقف شود.

جامعه بین‌المللی نمی‌تواند ادعای ناآگاهی کند. ویدئوها، شهادت‌ها، گزارش‌های پزشکی و صدای خانواده‌های داغدار حقیقت را غیرقابل انکار کرده‌اند. چیزی که کم است، شواهد نیست، بلکه اقدام است. هر روز سکوت، ماشین سرکوب را جسورتر و رنج جمعیتی را که برای آزادی‌های بنیادی خود مبارزه می‌کند، عمیق‌تر می‌کند.

اکنون زمان آنست که از طرف کشورهای آزادیخواه قطعنامه محکومیت به شورای امنیت یا مجمع عمومی سازمان ملل متحد برده شود و نماینده رژیم نسل کش از سازمان ملل متحد اخراج گردد، همچنانکه در گذشته کشور های نسل کش اخراج شده.

اکنون زمان آنست که کشورهای آزاد روابط سیاسی خود را با رژیم اشغالگر پایان دهند و سفارتخانه های ایران در اختیار صاحبان اصلی، یعنی مردم ایران، گذاشته شود.

اکنون زمان آنست که پولهای دزدیده شده در بانکهای کشور های آزاد بلوکه و سپس در اختیار صاحبان اصلی، یعنی مردم ایران، گذاشته شود.

سازمانهای هموند جبهه هم‌آهنگ مبارزان ایران:

انجمن ایران در دالاس، انجمن ایرانی برای صلح و آزادی و عدالت، انجمن زنان پارسی در سوند، انجمن فرهنگ ایران زمین، بنیاد اروپایی زرتشت شناسی، تشکیلات لوس آنجلس-ایران، پشتیبانان جنبش دموکراسی، پیمان برای دموکراسی، جبهه ملی ایران خارج از کشور، جمعیت آزادیخواهان ایرانی در فرانسه، جمعیت خرد پیشگان ریشه ای، جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران، جنبش زنان ایران، حزب ایران نوین (سیاتل)، حزب دموکرات مردم ایران، رادیو آزادگان، سازمان ایران پاد، سازمان پان ایرانیست، سازمان رهایی ایران، سازمان جوانان هوادار مشروطه پادشاهی، سازمان حقوق بشر برای آزادی زندانیان سیاسی، سازمان سرپاز، سازمان سکولارهای دموکرات ایران، سازمان مشروطه خواهان ایران پادشاهی، سازمان مشروطه خواهان بلوچ، سازمان نگهبانان ایران جاوید، سازمان نظم نوین ایرانیان، سازمان نهال، سازمان همبستگی زنان ایران، شورای اتحاد و همبستگی نیویورک، کانون اروپایی برای آموزش جهان بینی زرتشت، کانون خرد، کنگره همبستگی ایرانیان، نگهبانان یکپارچگی ایران.